

صبحانه با رؤیا؛ کارکردهای اجتماعی خواب و کنکاشی در فرایند تغییرات ناگهانی در تصمیمات افراد دوره صفوی - یک بررسی مقایسه‌ای -

ندا هنرمندی^۱

چکیده

از آنجاکه رؤیاها خارج از کنترل افراد بشر و گاه با پیشگویی همراه بودند افراد آنها را اموری ماورایی می‌دانستند که از عالمی دیگر و به واسطه ضمیر پاک به برخی الهام می‌شد. تا پیش از تبیین‌های علم روان‌شناسی، مردمان تصمیم‌های دیگران را بر مبنای رؤیاهایشان قابل پذیرش می‌دانستند؛ رؤیاهایی که با بیننده خود در تعاملی دو سویه از اعتبار بودند. در تاریخ ایران تصمیماتی را شاهد هستیم که به یکباره گرفته شدند یا تغییر یافتند. تأثیر خواب در طبقات مختلف اجتماعی نیز متفاوت بود. در دوره صفوی نمونه‌های متعددی از طبقات بالا مانند شاهان و حکام وجود دارد که با استناد به رؤیا اقدام به تصمیماتی می‌کردند؛ از این رو این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که رؤیا در طبقات اجتماعی مختلف چه تأثیری در تغییر برنامه زندگی و تصمیمات اشخاص در دوره صفوی داشت؟ در متون تاریخی بسیار دیده شده حاکمان یا افراد بلندمرتبه تصمیمات خود را صبحگاه و بر مبنای یک رؤیا مسجل کرده یا تغییر داده‌اند. در این پژوهش رؤیا یکی از عوامل مؤثر در تصمیمات افراد در نظر گرفته شده است. در دوره صفوی از این دست رؤیاها بسیار بودند که برای تصمیم‌گیری‌ها به آنها رجوع می‌شد و باعث تغییر در برنامه زندگی روزانه افراد می‌گردید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت مقایسه‌ای در صدد بررسی کارکرد، تأثیر مقوله رؤیا بر زندگی روزانه افراد، تصمیمات آنها و نحوه بازتاب رؤیاها توسط مورخ در منابع تاریخی است.

کلیدواژه‌ها: زندگی روزانه، رؤیا، طبقه متوسط، مورخان دوره صفویه.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران ایران، پست الکترونیک:

n.houarnarmandi@umz.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷

مقدمه

روایت شده است که شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۷.ق)، شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰.ق)، شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶.ق) و غیره با بیدار شدن از خواب تغییری اساسی در برنامه از پیش تعیین شده خود داده‌اند. این موارد را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ آیا این نکته‌ای است که مورخ خود به آن پرداخته یا او در بیان نقل چاره‌ای جز آنکه بپذیرد یک خواب صبحگاهی باعث تغییر در یک برنامه شده است راهی نداشته است؟ خوابیدن و خواب دیدن پادشاهان اغلب در منابع باقی مانده از آن دوران روایت شده است؛ وقایع‌نگاران این پادشاهان، در نقل این رویدادها حالاتی را بیان کرده‌اند که می‌توان تا حدی به میزان تأثیر فرد از خوابش پی برد؛ اما جای این بررسی همچنان باقی است که این رؤیاها تا چه حد در تصمیم‌گیری پادشاهان مؤثر بودند و از طرفی خود مورخ در بیان این روایت‌ها تا چه حد به آن‌ها باور داشته است و چگونه و به چه شیوه‌ای دیده شدن رؤیا را به مخاطب انتقال داده است. از این جهت بررسی رؤیاها مورد توجه‌اند، چراکه باعث تغییر در روند زندگی و تصمیم افراد می‌شدند و دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می‌دادند.

سحر و بیدار شدن، شروع روز و زندگی روزانه است. زندگی روزانه افراد در گذشته - حتی تا به امروز در برخی جاها - بر روی خط زمانی با سحر و صبح صادق شروع می‌شد و با غروب خورشید پایان می‌یافت. افراد با بیدار شدن از خواب، روز خود را شروع می‌کردند و در همان ابتدای روز تصمیم می‌گرفتند که چه کارهایی را باید در آن روز انجام بدهند. در دوره صفویه نیز که مورد توجه این پژوهش است همین روند برای زندگی روزانه افراد بوده است البته در هر دوره بنا بر فرهنگ و تغییرات سیاسی و اجتماعی برخی کارها به امور روزانه زندگی مردم اضافه یا کم می‌شدند. در میان طبقات مختلف مردم جامعه کارهای روزانه‌ای مشخص برای انجام دادن وجود داشت؛ چه طبقه پایین جامعه که شامل افراد زیردست، کارگرها، نوکرها و کلفت‌ها بودند، چه افراد طبقه حاکمه و متوسط که صاحبان مشاغل، بازرگانان، درباریان و

متمکنان بودند؛ اما تفاوت این افراد در انجام امور روزمره در اختیارشان نسبت به تغییر کارها و زمان بندی آن‌ها بود. مردم طبقه متوسط برای هرروز کارهایی داشتند که می‌توانستند انجام دهند یا انجام ندهند. چرا مردم طبقه متوسط؟ زیرا که مردم طبقه پایین و کارگران و افراد زیردست مجبور بودند کارهای روال مند خود را هرروز انجام دهند و دستشان برای تغییر برنامه روزانه زندگی باز نبود؛ اما طبقه حاکم - الیت - و متوسط شهری می‌توانست کارهایی غیر از برنامه تعیین شده روز خود را انجام دهد.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که چه چیز یا چیزهایی باعث می‌شد که در ابتدای روز تصمیم‌های آن روز تغییر کند و کارهایی را انجام بدهند یا ندهند؟ آیا کارکرد خواب دیدن برای طبقات اجتماعی مختلف متفاوت بود و چگونه؟ در این دوران اتفاقات مختلفی بر زندگی شهری تأثیر می‌گذاشتند، مانند وقوع یک بلای طبیعی، حمله به شهر یا مواردی از این دست. در این جا فرض بر این است که رؤیا دیدن یکی از دلایل تغییر نظر افراد در مورد کارهایی بود که آن‌ها تصمیم داشتند در آن روز انجام دهند. افراد بسته به پایگاه‌های اجتماعی که داشتند خواب دیدنشان دارای تأثیر و کارکرد متفاوتی بود چنانکه برای پادشاهان دارای کارکرد سیاسی و مشروعیت بخشی و برای سایر طبقات کارکردی تأییدی و جهت جلب حمایت گروه مرجع را داشته است.

بنابراین، مسئله پژوهش بررسی تأثیر رؤیاهای شبانه بر روند تصمیم‌های زندگی روزانه افراد، در گذشته و بازتاب آن‌ها از طرف مورخان است. فرد صبحگاه و با صبحانه رؤیایش را برای دیگران بیان و تصمیم‌های روزش را مشخص می‌کرد. تصمیم‌هایی که ممکن بود بر اثر رؤیا او تغییر کرده باشند و یک روز او را به صورت استثنای تحت تأثیر خود قرار داده باشند. درواقع رؤیاها استثنائاتی بودند که روال زندگی را تغییر می‌دادند. فرد به رؤیا اعتقاد داشته و گاه با امور بیرونی نیز صدق آن را برای دیگران اثبات می‌کرد. در این پژوهش هدف نویسنده بیان مسائل اجتماعی است که در دوران صفوی بر برنامه زندگی روزانه افراد تأثیرگذار بوده است؛ از میان این موارد به رؤیایپردازی افراد در توجیه برنامه زندگی روزانه‌شان پرداخته شده است.

در زمینه توجه به رؤیاهای دوره صفوی تا کنون دو پژوهش انجام گرفته است که یکی مربوط به زهت احمدی با عنوان «رؤیا و سیاست در عصر صفوی» و دیگری مقاله‌ای از شعله کویین با عنوان «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی» است. در مورد اول، تنها به کارکردهای سیاسی و نظامی رؤیاهای پرداخته و بیشتر به شیخ صفی‌الدین و شاه اسماعیل توجه شده است. در مورد دوم کویین بازتاب رؤیاهای شیخ صفی‌الدین در شش گزارش و تأثیر تحولات هر دوره را بر نحوه بیان رؤیاهای مورد مطالعه قرار داده است.

در این پژوهش با استفاده از منابع باقی مانده از آن دوران که رؤیاهای برخی از افراد در آن‌ها ذکر شده، این مقوله و تأثیر آن‌ها بر تغییر برنامه زندگی روزانه دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مورخانی که این رؤیاهای را در نوشته خود بازتاب داده‌اند مورد توجه قرار گرفته‌اند. رؤیاهای شامل رؤیا پادشاهان، والیان برخی مناطق، افراد سرشناس و جدیدالاسلامان است. رؤیاهایی که در منابع بیان شده‌اند بررسی و نحوه استفاده از آنها جهت تأیید اجتماعی و تغییر برنامه‌های زندگی مورد مطالعه واقع می‌شوند. برای این منظور ابتدا به بیان جایگاه صبح، سحر و رؤیا در فرهنگ عامه پرداخته می‌شود، سپس به طبقه‌ای از جامعه که می‌توانستند با رؤیاهایشان در برنامه زندگی خود و دیگران تغییر ایجاد کنند، اشاره می‌شود؛ آنگاه خود رؤیا و رؤیا دیدن بررسی می‌شود، سپس مصادیق آن در دوره صفوی بیان می‌گردد.

سحرگاه؛ بیداری

سحرگاه از زمان‌های دور در میان مردم مهم بوده است؛ چراکه زمان اجابت دعا، زمان نزول و تقسیم برکت و زمان تنهایی با خالق بوده، چنانکه حافظ می‌گوید:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند.

برای مردمان سحر اصل و شروع روز و زندگی است. اینگونه تلقی مردم از سحرگاه، زمان پیروزی نور بر تاریکی و روشنایی بر اهریمن سیاهی است. آن‌ها به رؤیای سحرگاه اهمیتی دوچندان می‌دادند. فرد در این زمان با عالم غیب مرتبط می‌شد و رؤیاهای او تلقین می‌گشتند. رؤیاهای

صبح گاه بیان می‌شدند و بر تصمیم‌های کل یک روز تأثیر می‌گذاشتند. صبحانه با رؤیا همراه می‌شد و کارها بر مدار رؤیا در طول روز می‌چرخید.

در دوره صفویه نیز بنا بر رسم معمول و بنا بر نقل از کتاب آداب عباسی «... شروع روز مردمان با طلوع فجر و پایان آن با غروب آفتاب است و خداوند روزی افراد را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می‌کند...». (شیخ بهایی، برگ ۱۰) افراد شب می‌خوابند و در سحرگاه رؤیا می‌بینند. صبح صادق برای افراد همزمان با رؤیا دیدن، بوده است، رؤیای صادقه.

بیدار شدن از خواب، پایان شب و شروع روز با صبحانه و بیان رؤیا در آن هنگام و مشخص شدن کارها برای یک روز بود. افراد در نیمه اول روز، یعنی از زمان بیدار شدن تا پیش از ظهر تصمیم می‌گرفتند که چه کارهایی را باید انجام دهند. در واقع نیمه اول روز زمان تصمیم‌گیری و نیمه دوم و حتی کمی قبل از ظهر زمان انجام دادن تصمیم‌ها بود؛ بنابراین با صبحانه تغییرات روزانه مشخص می‌شد و بقیه موارد نیز روال خود را طی می‌کردند.

پس تصمیم کاری یک روز، صبح گرفته می‌شد. حال اگر فرد رؤیای می‌دید، برنامه آن روز وی با یک رؤیا تغییر می‌کرد. اینکه آن شخص واقعاً رؤیا دیده بود یا خیر مشخص نبود و تنها خود فرد از آن اطلاع داشت. در جامعه گذشته به خصوص دوره مورد بحث این پژوهش که دوره صفویه است، رؤیا دیدن در بین مردم مقبول و رایج بود؛ چنانکه قاضی قمی در این مورد می‌گوید: «... خواب دیدن در این زمان شیوعی تمام داشت...». (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۲۷۰/۱) در این مورد می‌توان به نظر مردم‌شناسان نیز رجوع کرد، زیرا در مردم‌شناسی فرهنگی نیز گفته می‌شود «رفتار و وضع نفسانی اشخاص آینه‌ای فرهنگ‌نما است و شخصیت بر اثر جریان فرهنگی شدن به وجود می‌آید». (روح‌الامینی، ۱۳۷۷: ۵۹-۶۱)

صاحبان زمان و رؤیا

رؤیا دیدن مهم بود، اما در کنار آن بیننده رؤیا نیز اهمیت داشت. مردم طبقه پایین و کارگران و افراد زیردست مجبور بودند کارهای روال‌مند خود را هرروز انجام دهند و دستشان برای تغییر

برنامه روزانه زندگی باز نبود تا رؤیاهایشان بتواند بر آن‌ها تأثیر بگذارد؛ اما طبقه متوسط به بالا - الیت - می‌توانست کارهایی غیر از برنامه تعیین شده روز خود را انجام دهد. در مورد رؤیا دیدن باید این نکته نیز گفته شود که همانطور که افراد طبقه پایین نمی‌توانستند رؤیاهای خود را در زندگی روزانه‌شان دخیل کنند، رؤیای زن‌ها و بچه‌ها نیز معتبر نبود. بنابراین، رؤیاهایی که در کتب تاریخی ذکر شده‌اند در ارتباط با مردها، افراد سرشناس و وقایع مهم‌اند.

فرد رؤیایی را که دیده بود در نیمه اول روز که زمان تصمیم‌گیری بود، بیان می‌کرد. در واقع به رؤیای خود نمود بیرونی می‌داد. با بیان رؤیا و تعبیر آن، تصمیم‌ها تا پیش از ظهر گرفته می‌شدند. اینگونه از خواب شب تا خواب قیلوله - خواب بعد از ظهر - کارها مشخص می‌گشتند. چرا نیمه اول روز؟ چون نیمه دوم روز برای طبقه متوسط که رؤیابینندگان اصلی بودند دیگر زمان کار نبود، مردم عادی که نوکر، کلفت یا کارگر بودند باید همچنان کار می‌کردند، اما آن قشر دیگر خیر؛ به بیان دیگر، نیمه دوم روز ساعت بزم بود؛ ساعت برگزاری جشن‌ها، گردهمایی‌ها و مراسم‌های مختلف ملی و مذهبی. (راوندی، ۱۳۶۳: ۵۱۰/۶-۵۱۲)

بنابراین، می‌توان گفت بیداری و خواب مبنای شروع و پایان یک روز بود. برای افراد کنشگر جامعه - مردها - شروع یک روز با بیداری همراه بود. کارهایی که باید انجام می‌دادند بر اساس مرتبه، منزلت و طبقه آن‌ها معین می‌شدند. فرهنگ و عادات جامعه نیز برای آن فرد مشخص می‌کرد که در چه زمینه‌هایی چه کارهایی باید انجام دهد. عمل‌گرایی نیز بر تصمیمات آنها تأثیرگذار بود؛ اما وقفه‌ها و استثنائات نیز امور روزانه را به صورت موقت دچار تغییر می‌کردند. مثل یک بلای طبیعی یا یک رؤیا.

بهبانهای رؤیایی؛ سخنی در اهمیت رؤیا

رؤیا بنابر عقیده صاحب‌نظران، زبان ناخودآگاه است. افراد آنچه را که در هنگام خواب می‌بینند بیهوده و بی‌بنیاد نمی‌دانند؛ برای همین از آن اثر می‌پذیرند و در برابر آن واکنش نشان می‌دهند. از گذشته‌های دور این باور در میان باطن‌گرایان و افراد باگرایش‌های عرفانی و طریقتی بوده است که رؤیاها دروازه رازهایند و رخدادهای بزرگ در قالب رؤیاها خود را باز

می‌نمایانند. رؤیایها را همگان می‌پذیرفتند، چراکه اعتقاد بر آن بوده که رؤیابین در رؤیایش تأثیری نداشته است. اهمیت رؤیایها و درک اسرار نهفته در آنها سبب شد تا خواب‌گزاری، دانشی که در شمار دانش‌های نهانی بود و تا به امروز نیز در میان برخی مردمان به یادگار مانده، پدید آید. خواب‌گزاران در تعبیر رؤیایها، حالات و موقعیت شخص را در نظر می‌گرفتند و با توجه به جایگاه و مقام او، اقدام به تفسیر رؤیا می‌کردند. در مورد رؤیایها این دیدگاه وجود دارد که گونه‌ای از رؤیایها را اثرها و انگیزهای بیرونی برمی‌انگیزند؛ انگیزه‌هایی از بیرون و از میان وقایع رخ داده در اطراف شخص باعث می‌شوند تا در ذهن فرد انگارهایی شکل بگیرند که در هنگام خواب و رؤیا خود را نشان دهند. به تعبیری آنچه در اطراف فرد گذشته در او اثر نهاده و با مایه‌ها و نهفته‌های ناخودآگاه او درآمیخته و رشته‌هایی از نماد و رؤیایها را برای او پدید آورده است. (کزازی، ۱۳۸۸: ۹۱، ۷۹، ۸۰ و ۹۲) البته در دسته‌بندی رؤیایها گونه‌ای دیگر نیز وجود دارد که برترین نوع رؤیا هستند؛ اعتقاد بر این بوده است که خداوند اینگونه از رؤیایها را در دل کسانی می‌نهاد که می‌توانستند آینده را پیش‌بینی کنند.

به هر ترتیب آنچه برای بیننده رؤیا اتفاق می‌افتاد از نظر خود او واقعی بود؛ از آنجاکه رؤیایها به اندازه امور بیرونی زندگی برای فرد ملموس بودند، بر هنجارهای زیستی او نیز تأثیر می‌گذاشتند. رؤیایی فرد را می‌هراساند یا او را خوشحال می‌کرد و این درواقع نمود بیرونی رؤیا در گام اول بود. در گام بعد فرد به رؤیای خود جامه عمل می‌پوشاند و اینگونه زیست خود را متأثر از رؤیا می‌کرد.

رؤیا دیدن برای افراد در آن زمان پر رؤیا (صفویه) حجت بوده است، چراکه فراتر از روال عادی و خارج از کنترل افراد بوده است؛ چنانکه در آداب عباسی در حاشیه کتاب ذکر شده «برای ظهور گم شده و دزدیده و گریخته و آمدن غایب و اظهار خفایا و امثال این {ناخوانا تعداد دفعات خواندن دعا است یک ... بیست و یک} بخواند در خواب {ناخوانا} بوی نمایند و از عاقبت کارش اخبار نمایند». (شیخ بهایی، برگ ۲۳) بیننده به رؤیا اعتبار می‌داد و گفته می‌شد این آدم رؤیایش و آنچه در نگاه خواب دیده، درست است. اینکه چگونه فردی به این مرتبه می‌رسید به عواملی چند بستگی داشت از جمله کرامات. در این جا همان صحبت

پیش‌تر ذکر می‌شود که پادشاه، تاجر، صوفی یا یک عالم اعتباری بیش از یک فرد معمولی داشت؛ پس رؤیای شان نیز از اعتبار بیشتری برخوردار بود. اگر یکی از این افراد رؤیای می‌دید آن رؤیا می‌توانست در روند کارها تغییر ایجاد کند و عملی خلاف عادت رخ دهد و برنامه روزانه جابه‌جا شود.

اینکه یک رؤیا در میان افراد پذیرفته می‌شد و می‌توانست بر روی تصمیماتشان تأثیر بگذارد، از روال عمومی برنامه‌ریزی در زندگی ناشی می‌شد و از آن هم فراتر می‌رفت. البته می‌توان گفت که اعتقاد به عمل‌گرایی - که افراد بر مبنای سود و زیان عمل می‌کنند در تقابل اعتقادگرایی بود و همین مورد نیز در بیان این رؤیاها مؤثر می‌شد. در عمل‌گرایی صحبت بر سر این است که فرد سود کند نه ضرر، حال هر کاری که باشد؛ اما در اعتقادگرایی گفته می‌شود باید کاری انجام شود، چه سود داشته باشد چه ضرر. افرادی که رؤیا می‌دیدند معتقد بودند رؤیای که دیده‌اند را اگر انجام دهند باعث خیر و سود است. حال اینکه آن‌ها واقعاً این رؤیا را دیده‌اند یا خیر مشخص نیست، اما مشخص بوده کاری که باید انجام می‌شده باید برای آنها سودمند می‌بود. می‌توان اینگونه هم گمان کرد که گاه افراد رؤیای می‌دیدند که در آن انجام کاری نهی شده بود، اما چون سود را در انجام آن کار می‌دیدند آن را بیان نمی‌کردند تا مبادا مانع منفعتشان شود و درواقع کسی از رؤیا آن‌ها جز خودشان مطلع نمی‌شد.

افراد رؤیاها را می‌پذیرفتند و آن‌ها را در زندگی خود دخیل می‌کردند؛ چراکه رؤیاها برای مردم مانند اسطوره‌ها، قضایای پیش‌منطق بودند؛ دلیلی برای اثبات درستی آنها نمی‌جستند و مانند مشهورات بودند. رؤیا دست‌فرد نبوده که بخواهد در آن نقشی داشته باشد، بنابراین دیگران می‌پذیرفتند که امری ماوراءطبیعی است. افراد به آن اعتقاد داشتند به خصوص اگر مصداقی بیرونی پیدا می‌کرد و رخ می‌داد. آن‌ها شخص رؤیا دیده را صادق می‌دانستند و به او اعتماد می‌کردند؛ چراکه معتقد بودند با عالم بالا مرتبط بوده و دلی پاک و ضمیری روشن داشته که رؤیاهایش به واقعیت پیوسته‌اند. درواقع رابطه‌ای دوسویه شکل می‌گرفت که فرد به رؤیاها اعتبار می‌داده است و وقوع رؤیاها به فرد. این استنباط‌ها را می‌توان بر اساس داده‌های تاریخی باقی‌مانده، رؤیاهای دیده‌شده و واکنش اطرافیان به رؤیا و صاحب رؤیا بیان نمود.

این اعتقاد حتی می‌توانست تا جایی پیش رود که افراد هرکاری را به بهانه رؤیای که دیده‌اند توجیه کرده و به آن جامع عمل بپوشانند.^۱

در نتیجه رؤیاها به گونه‌ای، یک استثنا بودند و هرروز اتفاق نمی‌افتادند، بلکه گاهی در بزنگاه‌های مهم مطرح می‌شدند و قاعده را به هم می‌زدند- قاعده، اصول است، چیزی است که قرار بوده باشد و صورت بگیرد-. رؤیاها به گونه‌ای کار و زندگی فرد را تو می‌کردند، یکسری کارها را سرعت می‌بخشیدند یا روندشان را کند می‌کردند و به صورت موقت مسیر زندگی را در جهت دیگری می‌انداختند. درواقع در اختیار کنشگری بودند که می‌خواستند کاری را انجام بدهد یا ندهد. بدین‌سان گاهی بهانه‌های رؤیایی وارد زندگی فرد می‌شدند.

در مورد پادشاهان و رؤیاهایی که می‌دیدند منابع متعدد صفوی آن‌ها را بیان کرده‌اند و در منابع مختلف رؤیایی واحد از یک پادشاه ذکر شده است. مانند رؤیاهای شیخ صفی‌الدین، شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس. نقل رؤیاهایی که پیش‌گویی از آینده می‌کرد یکی از راه‌هایی بود که تاریخ‌نگاران به وسیله آن حکمرانی یا حق حاکمیت سلسله‌ای را تأیید می‌کردند. (کویین، ۱۳۷۹: ۶۵) مورخان در نقل روایت‌هایی که مربوط به رؤیاها می‌شد اگر در مورد شاه همزمان با خودشان بود، روایت را آنچنان که باور داشتند بازگو می‌کردند و می‌کوشیدند حقانیت شخص شاه را با رؤیاهایش تأیید نمایند، یعنی در ذکر جزئیات رؤیاها تمام موارد را آنچنان دقیق بیان کنند که گویا خودشان خواب را دیده‌اند؛ اما در مورد شاهان قبل به نقل روایت پیشین و تأکید بر اینکه پیش‌گویی به تحقق پیوسته است، اکتفا می‌کردند.

یک روز زندگی در گذشته، دوره صفوی

زندگی روزانه شامل کارهایی می‌شد که افراد در یک روز از صبح، زمان بیداری تا شب، هنگام خواب انجام می‌دادند. در گذشته زندگی روزانه افراد بیشتر با طلوع و غروب خورشید ارتباط

۱. در کتاب زبده التواریخ نقل شده است که صوفیان خلیفه حاکم مشهد عادت داشتند که از هرکس هرچیزی را که می‌خواست بگیرد می‌گفت «دیشب من خوابی دیده‌ام دوازده امام را که فرمودند از فلان کس فلان قدر بگیر و دفع دشمن کن...». (مستوفی، ۱۳۷۵: ۶۴)

داشت. افراد کارهای خود را در زمان‌های مشخص انجام می‌دادند. عواملی مانند جغرافیا، فرهنگ و سیاست در زندگی روزانه افراد تأثیرگذار بود و باعث می‌شد در شهرهای مختلف برخی کارهای روزانه تغییر کنند.

زندگی افراد با بیدار شدن قبل از طلوع آفتاب و با صدای اذان صبح آغاز می‌شد. پس از نماز خواندن افراد بر سر یک سفره صبحانه‌ای ساده می‌خوردند و مردها به دنبال کار از خانه خارج می‌شدند؛ اما در این میان پادشاهان و دیگر متمولان کمی دیرتر از دیگران روز را آغاز می‌کردند. از زمان طلوع آفتاب مردم در شهر رفت و آمد را آغاز می‌کردند. عده‌ای به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند، کودکان به مکاتب، برخی به دکان‌ها و کارگاه‌ها و هر کدام کاری انجام می‌دادند. از همان زمان صرف صبحانه هر کس می‌دانست که باید به کجا و از کدام مسیر برود و تا ظهر چه کند، اگر سفیری نیز قرار بود وارد شهر شود مردم می‌دانستند که باید به استقبال بروند؛ اما شاه برنامه‌هایش متفاوت بود. او ملاقات با سفیران، ملاقات با زنان حرمسرا، شکار و گشت و گذار و صحبت با بزرگان و امرا را داشت. او نیز مانند دیگران پیش از هرکاری صبح رؤیاهایی را که دیده بود برای دیگران بیان می‌کرد، اما این دیگران بزرگان و امرا بودند و این رؤیاها تأثیری بیشتر از تعلق چند دقیقه‌ای در خروج از خانه بر زندگی آن روز شهر یا کشور یا یک خاندان داشت. صبحانه با رؤیای شاه همراه می‌شد و ادامه روز با تصمیمات بر مبنای آن رؤیا ادامه می‌یافت. با اذان ظهر و صدای موزن مردم به مساجد می‌رفتند. بعد از ظهر و زمان استراحت و خواب قیلوله بود و زمان آن می‌رسید که افراد به قهوه‌خانه‌ها و میادین رفته یا برای شب‌نشینی‌ها به خصوص در پایتخت آماده شوند. تا غروب آفتاب مردم در شهر به دنبال کارها بودند و با غروب آفتاب و گفته شدن اذان قسمتی دیگر از زندگی آغاز می‌شد. برای طبقه عامه و پایین جامعه غروب آفتاب زمان خواب بود، مگر آنکه شاه جشنی برگزار می‌کرد. روند کلی، مختصر و عادی زندگی روزانه مردم و شاهان اینگونه بود.^۱

۱. بیان زندگی روزانه با جزئیات آن خود بحثی مفصل و جدا می‌طلبید. این مبحث با عنوان «زندگی روزانه در جامعه شهری دوره دوم صفوی» در قالب رساله دکتری نویسنده انجام گرفته است.

حال بهتر است به نمونه‌هایی از رؤیاها که در صبحگاه و پس از خواب شب بیان شده‌اند و کارهای روزانه یک کنشگر را تغییر داده‌اند پرداخته شود. باید توجه داشت که رؤیاها همیشه ثبت نمی‌شدند و از طرفی رؤیا همگان نیز اهمیت مطرح شدن نداشته است. رؤیاهایی بیشتر باقی مانده‌اند و در کتب آمده‌اند که سبب تغییری بزرگ در کارهای یک عده یا زندگی افراد می‌شدند.

شاه، پدر معنوی جامعه

از میان کنشگرانی که در این تحقیق رؤیاهایشان ذکر شده پادشاه، عالم دینی، حاکم یک ولایت یا جدیدالاسلامی هستند که رؤیاهایشان سبب دگرگونی تصمیماتشان و زندگی‌شان بوده است. از این میان نیز شاهان به دلیل دامنه تأثیر بیشتری که تصمیماتشان داشت و پیامدها بیشتر مورد توجه منابع قرار داشتند و نیازمند توجه اقداماتشان بودند. این پژوهش نیز به خواب شاهانی که درصدد توجه اقدامات تأثیرگذارشان بر روی زندگی روزانه مردم و کسب تأیید اجتماعی بودند پرداخته خواهد شد.

شاه اسماعیل صفوی

شاه اسماعیل در محیطی شیعی پرورش یافته بود. از اشعار او نیز احساسات عمیق مذهبی‌اش و افتخار به اعقاب حضرت علی (ع) بودن، پیدا است. شرایط اجتماعی آن زمان و اوضاع نابسامان ناشی از جنگ، طاعون، قحطی و بلایای دیگر مردم را بیش از پیش آماده آن می‌کرد تا گمان کنند آخرالزمان نزدیک است؛ بنابراین در آن زمان حالات مهدی گونه‌ای به شاه اسماعیل نسبت داده می‌شد. وقایع ماورایی نیز که برای شاه اسماعیل نقل می‌شد و حاکی از نظرکرده امام زمان بودن وی داشت (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۳؛ ترکمان، ۱۳۷۷: ۴۶) این تفکر را تقویت می‌کرد. از طرفی ظاهر متفاوت وی - که سیاحان آن را توصیف کرده‌اند، چهره‌ای سفید و مویی مایل به رنگ سرخ - که در آن زمان با اکثریت جامعه فرق داشت نکته‌ای مثبت برای وی به حساب می‌آمد و بر جذبۀ مذهبی او می‌افزود. (سفرنامه ونیزیان، ۱۳۸۱؛ ۱۴۹؛ و عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۴۲؛ آژند، ۱۳۸۹: ۲۶ و ۲۷)

نویسنده کتاب عالم آرای شاه اسماعیل - که شناخته شده نیست - نسبت به تشیع متعصب بود و شاه اسماعیل را نیز فردی دارای قدرت های معنوی می دانست. او به شاه اسماعیل باور داشته و علاقه وافر او به شاه و تشیع سبب می گردید که در ذکر رویدادها نگاهی منتقدانه به کارهای شاه اسماعیل نداشته باشد و به صورت ضمنی حتی او را تأیید کند. او داستان هایی که برای قداست شاه گفته می شده را نقل می نماید و چنان مسائل مربوط به او از جمله رؤیاهای را روایت می کند که گویا حقیقتی کامل و راستین اند.

در کنار اعتقاد مورخ و اعتباری که او به رؤیاهای شاه اسماعیل می داد و ذکر آنها چنانکه پیش تر آمد، اعتبار فرد رؤیابیننده نیز به رؤیا اعتبار می داد. شاه اسماعیل دارای این امتیاز بود. نویسنده کتاب عالم آرای شاه اسماعیل در کتاب خود رؤیاهایی را بازگو می کند که گویی صلاحیت شاه اسماعیل توسط شخصی مقدس تأیید می شد. تصمیماتی که شاه می گرفت اندکی بعد درستی اش بر همگان ثابت می گردید. بنابراین، شاه اعتبار داشت و اعتبارش نیز در رابطه ای دوطرفه با رؤیاهایش افزایش می یافت. برای شاه اسماعیل مقبولیت صفویان و ادعای آنها در انتساب به خاندان امامت در ادامه قدرت و حکومت هم بسیار مؤثر بود؛ هرچه اعتقاد مردم به خاندان امامت و شیعه بیشتر می شد، حکومت او قابل اعتمادتر می گردید. بنابراین، وی تلاش می کرد در امور مختلف حکومتی دیگران را از راه هایی غیر از دستور دادن اقناع کند.

شاه در موقعیت های مختلفی که برایش پیش می آمد بنابر شرایط تصمیم می گرفت تا کارهایی را انجام دهد، اما پس از خوابیدن و بیدار شدن در سحرگاه تصمیماتش را بر مبنای رؤیایی که دیده بود تغییر می داد و اراده بر عملی دیگر می کرد. نمونه های این تغییر تصمیم در زندگی شاه اسماعیل بسیارند و حتی در تصمیماتی که دچار تردید بود نیز به رؤیاهایش رجوع می کرد.

زمانی که شاه اسماعیل با همراهانش در گیلان به امیر کیا پناه برده بودند، شک و دودلی نسبت به وفاداری امیر کیا در میان همراهان بود، آن ها تصمیم به ترک گیلان داشتند، اما

شاه اسماعیل شب در خواب می بیند که حضرت امیرالمؤمنین به وی اطمینان می دهد که در امان است و می تواند در گیلان بماند. صبحگاه او رؤیای خود را برای بزرگان بازگو می نماید. اینگونه تصمیم آن ها بر رفتن تغییر می کند و آن روز، کاری را که قرار بود انجام دهند رها می کنند. (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۳۹)

تصمیم مهم دیگری که با عدم اطمینان بسیاری از سوی امرا همراه شد خطبه خواندن در تبریز و اعلام رسمی نمودن مذهب شیعه بود. چنانکه نویسنده عالم آرای شاه اسماعیل می گوید:

«... امرای نامدار به عرض رسانیدند که از اکثر مردم می شنویم که می گویند ما پادشاه شیعه نمی خواهیم و از زمان پیغمبر تا حال کسی بر ما خطبه نخوانده است و اگر رعیت و سپاهی نعوذ بالله برگردند؛ پیش تر از آن فکری باید کرد...». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۶۰)

شب شاه اسماعیل در رؤیا می بیند که:

«...امیرالمؤمنین (ع) به آن شهریار فرمود که ای فرزند دغدغه به خاطر مرسان و در روز جمعه بفرمای که قزلباش تمام یراق پوشند و در میان هر دو کس از مردم تبریز یک نفر قزلباش قرار گیرند و در آن وقت خطبه بخوان و هرکس که خواسته باشد که حرکت کند قزلباش آن را به قتل رساند و به این تدبیر خطبه بکن ...». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۶۰)

بعد از بیداری شاه اسماعیل دوباره با بزرگان رؤیا را مطرح می کند. با این رؤیا امرا و فرماندهان اطمینان حاصل کرده و کاری که در آن شک داشتند را با قاطعیت انجام دادند. این رؤیا دیگران را قانع کرد که «فرزند»ی از نوادگان حضرت علی (ع) محق خطبه است و چه از این بهتر که راهکار را نیز جدش حضرت علی (ع) ارائه داده، پس حتماً بر حق است، این کار درست است و امرش باید اطاعت گردد. اعتبار شاه اسماعیل به رؤیای او اعتبار می داد و بالعکس. البته باید این مورد نیز ذکر شود که برای آنکه رؤیاهایی از این دست قابل باور و قبول باشند؛ باید رؤیاهای دیگری که جنبه پیشگویی دارند نیز مطرح شوند؛ زیرا چنانکه گفته شد در باور عموم، شخصی که رؤیایی ببیند و رؤیا او تعبیر شود رؤیای صادقه دیده

است و آن شخص فردی برگزیده، خاص و پاک است. این قسم رؤیایها در ماجرای ضیافت سلطان حسین بارانی و محاصره تبریز - که حلواچی اغلی در شهر بود - توسط الوند؛ برای شاه اسماعیل بیان شده‌اند. (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۶۵؛ ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۷)

در ماجرای محاصره قلعه حصار یکی دیگر از رؤیاهای شاه اسماعیل چاره‌ساز لشکر می‌شود و برنامه سپاه تغییر می‌کند. قزلباشان در محاصره قلعه حصار که قلعه‌ای مستحکم و مرتفع بود، نتوانستند کاری از پیش برند و امیرنجم فرمود که «اسباب یورش را سرانجام نمایند. اما غازیان قزلباش بی دماغ از آن یورش بوده جبراً اراده نمودند...» شاه اسماعیل زمانی که دید صرفه در جنگ نیست، دست به دعا گشود و با دعا و مناجات و زاری از خداوند کمک طلبید و «... در عالم خواب و بیداری یکی از حضرات ائمه معصومین علیهم السلام فرمودند که ای فرزند بفرمای تا جمعی از سپاه از عقب کوه بر سرقلعه یورش نمایند و خود نیز با سپاه روی به آن کوه می‌گذرای...». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۱۱۸ و ۱۱۹). شاه اسماعیل صبح رؤیا را برای بزرگان بازگو کرد آن‌ها از بازگشت در آن روز منصرف شدند و نقشه‌ای که در هنگام خواب مطرح شده بود را عملی کردند و موفق به فتح قلعه گردیدند.

نمونه‌ای دیگر از این رؤیایها در فتح قلعه ماران است. چون فتح این قلعه با دشواری روبرو شد، امرا و لشکریان گفتند که گشودن آن تنها از راه تدبیر است، شاه اسماعیل شب دست به دعا و زاری برداشت و فتح قلعه را از خداوند خواست. در رؤیا می‌بیند که امیرالمؤمنین علیه السلام به او می‌گویند:

«علی الصباح بر سر آبی که رودخانه چل رود بخش می‌شود رفته خطی بر روی زمین خواهد بود بفرمائید به سپاه که این زمین را بکنند که مکاکه (؟) ممر آب رودخانه بوده است؛ چون جاماسب حکیم این قلعه را ساخت و آب را از آن ممر به دور قلعه انداخته است و آن ممر را به گل و سنگ پر گردانیده به ممر اول اندازند تا محصوران از تنگی آب به شتاب درآمدند قلعه را به تصرف دهند». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۱۲۸؛ ترکمان، ۱۳۷۷: ۹۸)

صبح بر «روال همیشه» به حسین بیگ^۱ و امیرنجم و برخی امرای بزرگ رؤیا را می‌گوید و

کار انجام می‌شود. بنابراین، در این دست از موارد شاه صبح‌ها رؤیای خود را برای امراتر تعریف می‌کرد تا اگر کاری باید، انجام شود یا نباید، مشخص گردند. در این مورد مورخ سعی نموده کاری را که شاه اسماعیل انجام داده و آب را به روی مردم بسته با رؤیایی قدسی توجیه کند.

اما مورد آخری که در ارتباط با شاه اسماعیل در این جا آورده می‌شود به ماجرای محاصری قلعه گلستان اشاره دارد. در این رویداد نیز اسماعیل که کار را دشوار یافته بود با توسل به رؤیای - که در دو منبع صفوی از قول درویشی ذکر شده و در احسن التواریخ و کتاب خلدبرین و عالم آرای عباسی به شاه اسماعیل نسبت داده شده است - تصمیمش را تغییر می‌دهد و گلستان را رها کرده و عازم فتح آذربایجان می‌شود در این تغییر تصمیم ائمه معصومین راهنمای شاه اسماعیل معرفی می‌شوند و شرطی که تنها اسماعیل از آن خبر دارد و تا آن زمان با کسی در مورد آن سخن نگفته بود باعث تغییر در کارها است. (میرخواند، ۱۳۷۰: ۶۰-۶۱؛ روملو، ۱۳۸۴: ۹۶/۲؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۲: ۱۱۲ و ۱۱۳؛ ترکمان، ۱۳۱۴: ۲۰/۱)

در رؤیاهای ذکر شده برای شاه اسماعیل همواره تأیید یک فرد معصوم، قدسی و راهنمایی وی دیده می‌شود. از طرفی چنانکه نویسنده می‌گوید به روال همیشه برای بزرگان در صبحگاه رؤیایها نقل می‌شدند تا آنها بدانند چه باید بکنند و اما و اگر برای انجام کار نیاورند، چراکه شخصی چون شاه که رابطه با عالم بالا داشته دستور را داده و از طرفی دستور از ملکوت صادر شده است.

شاه طهماسب

از جمله کسانی که از او تذکره‌ای باقی مانده و اطلاعاتی قابل توجه در اختیار محققان قرار داده، شاه طهماسب است. این شاه معتقد است که رؤیا دیدن صحت دارد به خصوص اگر از جانب حضرت علی باشد. (شاه طهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۲۳) خود او نیز رؤیاهایی را ذکر می‌کند که شب هنگام دیده و صبح بر اساس آنها تصمیماتی مهم گرفته و برنامه روزانه و دستوراتش را بر اساس آنها انجام داده است. برای مثال، زمانی که او درگیر نبرد با عثمانی‌ها و اوزبک‌ها در شرق بود، رؤیا می‌بیند حضرت علی (ع) را ملاقات کرده و در مورد

نبرد با اوزبک‌ها و اینکه به آن‌ها حمله کند یا خیر سؤال می‌پرسد. سپس از درخواست‌های امیرالمؤمنین صحبت می‌کند که یکی از آن‌ها این بوده که فتحی بیگ پراوانچی متولی آستان قدس شود «علی الصباح بیدار گردیده «خوشحال» بعد از نماز صبح او را و یاران را جمع نموده خواب را شرح کردم و گفتم در این طرف آب ما را با اوزبک جنگ خواهد شد.» (شاه طهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۲۳ و ۲۴؛ ترکمان، ۱۳۱۴: ۴۱/۱) اینگونه شاه طهماسب تصمیم آن روز خود را با رؤیایی که ادعا می‌کند دیده، توجیه می‌کند و کارها مشخص می‌شوند.

شاه طهماسب از پادشاهانی است که از خوردن شراب و سایر منکرات توبه کرد. این تصمیم او نیز در پی رؤیاهایی بود که دید. چنانکه در تذکره شاه طهماسب آمده بار اول در هرات خواب می‌بیند که به او می‌گویند «از مناهی بگذر که ترا فتوحات خواهد شد.» (شاه طهماسب صفوی، ۱۳۶۳: ۲۹) صبحگاه او رؤیا را با اطرافیان در میان می‌گذارد و همه در این باره نظری می‌دهند، اما چون به نتیجه نمی‌رسند که شراب را نیز حذف کنند یا نه شاه طهماسب تصمیم می‌گیرد شب با نیت اینکه هر چه در خواب دید به همان عمل کند بخوابد. شب در خواب می‌بیند که امام رضا (ع) به او می‌گوید دست از شراب و زنا و جمیع مناهی بردار. پس چون صبح می‌شود از همه امور گفته شده توبه می‌کند. (همان: ۳۰) شاه طهماسب در این مورد عملاً با رؤیای که دیده تصمیم خود را توجیه می‌کند و تأیید و همراهی دیگران را به دست می‌آورد و تصمیم روزه را می‌گیرد و کاری خلاف روال همیشه انجام می‌دهد. از آنجاکه رؤیا، رؤیای شاه است، پذیرفته می‌شود. هرچند مشخص نیست که آیا واقعاً شاه طهماسب رؤیا دیده یا نه، برای کاری که تصمیم داشته انجام دهد این رؤیا بسیار کارساز شد.

کار دیگری که شاه طهماسب بر اساس رؤیای که دیده انجام می‌دهد، بخشیدن تمغایی بود که از زمان پادشاهان قبل از تجار و متمولین دریافت می‌شد. شاه طهماسب بنا بر ادعایی که می‌کند حضرت صاحب‌الزمان را در خواب دیده که ایشان از او می‌خواهند این وجوه را ببخشند؛ او نیز در سال ۹۷۲ ه. ق این وجه را می‌بخشد. (ترکمان، ۱۳۱۴: ۹۴/۱؛ منشی قمی، ۱۳۸۳: ۴۴۹/۱) با رؤیای که او دیده، عملی چندین ساله متوقف می‌شود و روندی تغییر می‌یابد.

در مورد شاهان دیگر صفوی در منابع به اندازه شاه اسماعیل و شاه طهماسب خواب‌هایی از این دست ذکر نشده است. شاه عباس در راه مشهد خوابی می‌بیند که بر اساس آن خواب از راه مشهد به فرج‌آباد بازمی‌گردد. (دلواله، ۱۳۸۰: ۱۰۲۸) شاه سلیمان نیز در پی خوابی که می‌بیند نام خود را از صفی به سلیمان تغییر می‌دهد. (کروسینسکی، بی‌تا: ۱۸) این نکته باید گفته شود، خواب‌هایی که جنبه پیشگویی دارند برای این شاهان و دیگر افراد نزدیک به آن‌ها نقل شده است که چون تأثیری در تصمیم‌گیری آن‌ها نداشتند در این جا آورده نشدند.^۱

والیان و جدیدالاسلامان

علاوه بر شاهان در جامعه سرپرستان دیگری نیز بودند که تصمیماتشان گاه با خواست سایر اعضای جامعه مرجعشان تفاوت داشت؛ از این رو این افراد با هدف تأیید اجتماعی و با کارکرد تأییدی و اجتماعی، اقدام به بهر بردن از خواب‌هایشان می‌کردند. معمولاً تصمیمات با بار سیاسی و عقیدتی نیازمند پشتوانه‌ای بودند تا فردا را از تبعات این انتخاب‌ها در امان دارند. والیان و جدیدالاسلامان جزو گروه‌هایی بودند که تصمیماتشان دارای تبعات و نیازمند دلیل و پشتوانه بود. در ادامه به چند مورد برای نمونه پرداخته خواهد شد.

امیر کیا

شخص دیگری که برای انجام تصمیماتش به رؤیا متوسل شده بود امیر کیا، حاکم گیلان بود. زمانی که شاه اسماعیل به او پناهنده شده بود وی تحت فشار اطرافیان برای وفاداری به رستم شاه و تحویل دادن شاه اسماعیل بود. کاری که او باید انجام می‌داد و به صورت روال از وی انتظار می‌رفت، تحویل دادن دشمن و افراد توطئه‌گر به شاه و دربار بود؛ اما با دیدن یک رؤیا از این تصمیم منصرف می‌شود. او شب در خواب می‌بیند که امیرالمؤمنین به او

۱. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به منجم یزدی، ملا جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: انتشارات وحید؛ کروسینسکی [بی‌تا]. سفرنامه، به تصحیح عبدالرزاق بن‌نحفلی. تهران: توس؛ و رستم الحکما، محمد هاشم. (۱۳۸۲). رستم التواریخ. مصحح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.

می‌گوید: «ای امیر کیا در چه فکری؟ می‌خواهی «فرزند» مرا به دست دشمن بدهی؟ زنه‌ار که با فرزندان من این قسم بی‌ادبی نکنی که فردای قیامت در نزد حضرت رسول و من شرمنده خواهی بود». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۳۸). امیر کیا «وحشت‌زده» از خواب بیدار شد، پس چون صبح شد ایلچی شاه را فرستاد و اعلام کرد که از اسماعیل خبر ندارد. لفظ فرزند که خطاب به شاه اسماعیل دارد برای امیر کیا حجت است؛ از طرفی حالتی که مورخ برای او پس از بیداری بیان می‌کند نشان از باور داشت وی به خوابش دارد. اینگونه او با رؤیایی که دیده هم کارش را توجیه می‌کند و دیگران را نسبت به رفتارش قانع می‌نماید، هم تصمیمی که داشته را تغییر می‌دهد.

حاکم اصفهان و فتح اصفهان

در عالم آرای شاه اسماعیل و عالم آرای صفوی در مورد رئیس حسین علی نیز آمده است زمانی که شاه اسماعیل شهر اصفهان را محاصره کرده بود فردی را به قتل می‌رساند و دروازه شهر را بروی شاه می‌گشاید. او دلیل کار خود را خوابی بیان می‌کند که در آن حضرت علی (ع) از او پرسیده‌اند «که چرا دروازه را به روی فرزندم نمی‌گشایی؟». (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۹۸؛ ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۷۷) این رؤیا نیز در جهت توجیه اقدام او بود و رؤیایی در شباً هنگام تصمیمی در طول روز را تغییر داد.

خاندان دشتکی

خاندان دشتکی از دیگر افرادی بودند که تحت تأثیر یک رؤیا تغییر مذهب دادند. این خاندان اکثراً اهل سنت بودند، در پی اقداماتی که برای تغییر مذهب افراد صورت می‌گرفت آن‌ها نیز تغییر مذهب دادند. در مجالس المؤمنین آمده که یکی از بزرگان ایشان که دچار تردید شده بود نیت کرد تا شب‌هاش برطرف شود و شب در خواب دید که کتاب مشکوه را که در اخبار و احادیث است به خدمت پیامبر اسلام می‌برد و او بر حدیث‌های اهل سنت انگشت محو می‌کشد و اثر انگشت وی بر آنها می‌ماند و چون صبح از خواب بیدار شد، کتاب را بر همان منوال یافت که در عالم رؤیا دیده بود و از این روی همه آن خاندان قبول

تشیع کردند. اولین کسی که از این خاندان به واسطه این خواب از مطالعه کتاب‌های اهل سنت خودداری کرد و علم کلام حکمت را مورد توجه قرار داد امیرصدرالدین محمد بود. (شوشتری، ۱۳۷۷: ۵۲۶/۱ و ۵۲۷) در این مورد نیز خاندان دشتکی روز خود را با یک رؤیا شروع کردند و تصمیمی مهم گرفتند؛ تغییر مذهب که تغییری مهم در زندگی آنها پدید آورد.

جدیدالاسلام‌ها

رسمی شدن تشیع در زندگی سایر اقلیت‌های مذهبی نیز تغییر ایجاد نمود. برخی از افراد مسیحی با میل و رغبت و برخی با زور یا به خاطر منفعت مسلمان می‌شدند. در این موارد آنها در انجام امور روزمره زندگی با دیگران تقریباً یکسان بودند، اما تصمیمی که برای تغییر مذهب می‌گرفتند سبب تفاوت برخی کارهای روزانه آنها با هم‌کیشان گذشته‌شان که هم‌محله‌ای آنها نیز بودند، می‌شد. از نوشته‌های باقی‌مانده این دوره در مورد این گروه مطالبی که مانده مؤید تأثیر رؤیای آنها در ایجاد تغییر در زندگی‌شان است. اینکه این افراد واقعاً رؤیا دیده بودند یا خیر مشخص نیست، اما آنها با ادعای دیدن رؤیاهای تصمیماتشان را می‌گرفتند و کارهایی که قرار بود انجام دهند را پیش می‌بردند. ازها با بیان این رؤیاهای تلاش داشتند در میان گروه هم‌کیشان سابق و جدید کسب مقبولیت کرده و تأیید اجتماعی آنها را به دست آورند.

کسانی بنابر مقتضیات زمان یا اضطرار یا علاقه، تغییر مذهب می‌دادند و این کنش خود را با یک رؤیا توجیه می‌کردند. از آنجا که رؤیا دیدن در کنار امور مذهبی امری دور از ذهن نبود و در عرف نیز پذیرفته شده بود و آنها تلاش می‌کردند تا از این راه وارد شوند. از نمونه‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد در تذکر صفویه کرمان آمده، لوارصاب - برادر گرگین خان والی گرجستان - است. او در پی شورش‌هایی که رخ داد به کرمان تبعید شد و زمانی که به آنجا رسید اعلام کرد مسلمان شده است.

«... در عرض راه اصفهان شبی حضرت امیر صلوة الله علیه را در خواب دیده اسلام بر او عرض کرده و او را مسلمان نمود. صبحگاه از خواب بیدار شده و اراده نموده ختنه‌اش کنند و آداب

اسلام و شرایط واجبات را تعلیمش نمایند...» (مشیزی، ۱۳۶۹: ۵۴۲، ۵۴۱)

با بیان این رؤیا در روال معمول روز او وقفه و تغییر ایجاد شد و کاری انجام داد که متفاوت از دیگران بود. از آن جایی که رؤیا دیدن امری فرانسانی بود، رؤیای او پذیرفته می‌شد و تصمیمش اجرایی می‌گشت.

از جمله افراد دیگری که جدیدالاسلام بوده و نوشته‌اش او امروزه نیز باقی است، می‌توان به مردی ارمنی به نام ابکر که بعداً نام خود را به علی‌اکبر تغییر داد اشاره کرد. اعتراف‌نامه نوشته علی‌اکبر است که در کتابی با همین نام به چاپ رسیده است.^۱ علی‌اکبر در زمان شاه سلیمان مسلمان شد، اما در زمان شاه سلطان حسین کتابش را نوشت. در کتاب او تصمیمات بسیاری هستند که بر مبنای رؤیاهای گرفته می‌شوند و برنامه زندگی و روز او را تغییر می‌دهند. او در خلال تمام ماجراهای زندگی‌اش به رؤیاهایی اشاره دارد که المان‌های مسیحی و اسلامی در آنها در کنار هم دیده می‌شوند. هرگاه علی‌اکبر دچار تردید می‌شد رؤیا می‌دید و اینگونه تصمیم نهایی را می‌گرفت. در ابتدا او رؤیاهایی را بیان می‌کند که در آن‌ها پیش‌بینی شده و هدایت می‌شود و نور الهی بر او می‌تابد. پدربزرگ او که فوت شده و از عالمی دیگر اطلاع دارد نیز این امر را به او می‌گوید. پس زمانی که او مسلمان شد به عنوان کسی که رؤیای صادقه می‌دیده و دلی پاک و روحی بی‌آلایش داشته شناخته شد.

او در پی صحبت‌هایی که با دیگران انجام داد به این نتیجه رسید که باید مسلمان شود، اما تنها به اینکه با تفکر به این نتیجه رسیده اکتفا نکرد، بلکه رؤیاهایی را روایت نمود که از دوران کودکی می‌دیده و در آن‌ها زندگی‌اش تغییر می‌کرده است. او شب‌ها رؤیا می‌دیده و مسلماً رؤیاهای او را برای اهالی خانه بیان می‌کرده است و با نوشتن اتفاقات زندگی‌اش و رؤیاهایی که دیده تلاش کرد تا این بیان را همگانی نماید.

ابکر در کارهای دیگر زندگی‌اش نیز به رؤیاهایش اشاره دارد. در ونیز او دچار مشکل می‌شود

۱. ابگر، علی‌اکبر. اعتراف‌نامه؛ روزنامه خاطرات ابکر (علی‌اکبر) همراه با رساله شناخت. پژوهش، تصحیح و توضیحات منصور صفت گل. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.

و به زندان می‌افتد او که تصمیم داشت پس از آزادی در آن جا بماند شب در خواب می‌بیند:

«در عالم خواب در میان زندان چشم باز نمودم، حضرت را دیدم - پیامبر - که فرمودند مترس که انشاالله تعالی بعد از صد روز شما را از دست این جماعت کفار خلاص می‌کنم، اما تدارک خود را دیده در میان این کفار مایست و زود از این جا روانه شو ...». (ابکر، ۱۳۸۸: ۶۷ و ۶۸)

او با خوشحالی از خواب بیدار می‌شود و تصمیمش را برای ماندن تغییر می‌دهد. در برگشت از ونیز زمانی که قصد داشت با دختر فردی تاجر ازدواج کند و در آن شهر بماند شب رؤیایی می‌بیند که پیامبر به او می‌گویند نصیب تو در اینجا نیست و دختر را مگیر پیش تر برو و در این جا نمان. (ابکر، ۱۳۸۸: ۷۲) صبح که بیدار می‌شود رؤیا را برای عموزادگانش تعریف می‌کند و می‌گوید که از ازدواج با دختر و ماندن در آن جا منصرف شده است. پس با رؤیایی شبانگه‌ای و بیان آن در صبح‌گاه برنامه زندگی‌اش را تغییر می‌دهد و تصمیمی تازه می‌گیرد. حال اینکه واقعاً رؤیا دیده یا بنابر شرایط می‌خواسته تصمیمش را عوض کند و رؤیا را بهانه کرده، مشخص نیست.

در ادامه مسیر علی اکبر با قاضی برقرات همسفر می‌شود و شبی در رؤیا می‌بیند که حضرت خضر به او می‌گوید دختر قاضی نصیب توست و با او ازدواج کن. صبح، زمانی که از خواب بیدار می‌شود نوکر قاضی به نزد او می‌آید و علی اکبر رؤیا را برای او بیان می‌کند. زمانی که قاضی متوجه می‌شود دختر را به علی اکبر می‌دهد و علی اکبر در شهر قاضی می‌ماند. (ابکر، ۱۳۸۸: ۷۴ و ۷۵) با این رؤیا علی اکبر هم زندگی خودش و هم تصمیم قاضی را تحت تأثیر قرار داد. از آنجاکه رؤیا دیدن امری مقدس و فرد رؤیابیننده نیز دارای منزلت و اعتبار بود؛ تصمیم علی اکبر عملی شد و با دختر قاضی ازدواج کرد و به جای آنکه در آن روز با عموزادگانش سفر را ادامه دهد، در آنجا ماند.

در مورد نام‌گذاری دخترش نیز علی اکبر شب زایمان همسرش در خواب می‌بیند که حضرت خضر به او می‌گوید که حوالی صبح دختری نصیب خواهد شد نام او را فاطمه بگذار. «چون اذان صبح گفته شد زوجه فقید وضع حمل نمود و دختری به دنیا آمد» نام او را فاطمه گذاشتند. (ابکر، ۱۳۸۸: ۸۱)

در این رساله ابکر تمام اقداماتش را با رؤیاهایی که دیده توجیه می‌کند و آن رؤیاهای راهنمای زندگی اش معرفی می‌کند. توجیه رفتارها با رؤیا در واقع مسئولیتی را متوجه او نمی‌کند و از طرفی دیگران را قانع می‌نماید که این کارها باید صورت می‌گرفتند. اینگونه رؤیای شبانگاهی، تصمیمات صبحگاهی و روزانه زندگی ابکر را تحت تأثیر قرار می‌داده و عمل او را دچار تغییر می‌کرده است.

نتیجه‌گیری

سحر و بیدار شدن شروع روز و زندگی روزانه است. آغاز تسلط نور بر تاریکی و پایان یافتن سلطه دیو شب با پیروزی فرشته نور. افراد با بیدار شدن از خواب روز خود را شروع می‌کردند و در همان ابتدای روز تصمیم می‌گرفتند که چه کارهایی را باید در آن روز انجام بدهند. در جوامعی که افراد با اوهام و خرافات بیش از منطق سروکار دارند و امور ماورایی بیش از دلایل و برهین عقلی می‌توانند بر کنش افراد تأثیر بگذارند، افراد می‌کوشند دیگران را با استفاده از شیوه‌های رایج مجاب به انجام خواسته‌هایشان نمایند.

در دوره صفوی به مانند دیگر زمان‌ها، افراد هرروزه کارهای مشخصی برای انجام دادن داشته‌اند. طبقه پایین جامعه که کاملاً برنامه‌ریزی شده در خدمت بزرگان، اشراف و پادشاهان و شاهزادگان بودند و طبقه متوسط به بالا نیز کارهایی متناسب با منزلت و طبقه و جایگاهشان در جامعه داشتند. هرکدام از این افراد در انجام امور زندگی‌شان نظم زمانی را رعایت می‌کردند و تلاش می‌کردند در ساعت‌ها و روزهای معین کارهایشان را به سرانجام برسانند؛ گاه پیش می‌آمد که برنامه زندگی آن‌ها - طبقه بالا - دچار تغییر یا وقفه شود، اما روال کارها بر اساس زمان تا حدود زیادی مشخص بود. پرسشی که مطرح می‌شود این است که چه چیزی باعث تغییر روند زندگی افراد در یک روز یا وقفه در آن می‌شد. این پژوهش رؤیاهای افراد را یکی از عوامل این تغییرات می‌داند، چراکه افراد رؤیاهای خود را بهانه‌ای برای انجام دادن یا ندادن برخی امور می‌کردند. یکی از عللی که - به غیر از داده‌های تاریخی که بر رؤیاهای تکیه و نمونه‌های تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌افرادند - بر اساس آن می‌توان این عامل را در این دوران مطرح

کرد؛ گواه قاضی قمی است که می‌گوید خواب دیدن در این دوران شیوع تمام داشت. دیگری رؤیاهایی است که از طرف افراد صاحب نفوذ بیان می‌شدند و دقیقاً بر روند مسائل تأثیر می‌گذاشتند و منابع تاریخی به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

با نمونه‌هایی که ذکر گردیدند کی توان چنان پنداشت که خواب‌ها برای شاهان دارای کارکردهای سیاسی و مشروعیت‌بخش بوده و برای سایر طبقات بیشتر کارکردی اجتماعی برای اخذ تأیید اجتماعی و همراهی گروه مرجعشان داشته است و البته این مقوله به علت دامنه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متفاوت این گروه‌های اجتماعی است.

این نکته باید ذکر شود که خواب‌های دیده شده و طرح شده در متون که در این پژوهش بیان شدند صرفاً رؤیاهایی نبودند که شخص شاه، والی یا جدید السلام آن را بیان کرده باشد تا ابهام، شبهه و درگیری ذهنیش را طرح نموده باشد بلکه رؤیاهایی بودند دارای کارکرد بوده و جنبه بهانه‌تراشی داشتند. مورخان که رؤیاها را ذکر کرده‌اند نیز به دور از تعصب و علاقه خود به تشیع یا آسوده از خیال توییح و تنبیه نبودند. مورخان تلاش می‌کردند روایت را اگر در زمان خودشان بود با آب و تابی در حد و شأن شاه یا بسته به موضوع بیان کنند یا آن را به نقل از منابع پیشین و با جزئیاتی گاه جدید و گاه اغراق شده دوباره زنده نمایند. برای همین نمی‌توان زیاد برای این رؤیاها تحلیل‌های اجتماعی و روان‌شناختی فردی آورد، چراکه اساساً بیان آنها با هدفی مشخص بوده است. البته شاید بتوان برخی از رؤیاهای علی‌اکبر جدیدالاسلام را با نگاهی روان‌شناسانه بررسی و تحلیل کرد، اما چون این پژوهش به دنبال هدف دیگری بوده است این کار پژوهشی جداگانه می‌طلبید.

منابع

- ابگر، علی اکبر. (۱۳۸۸). اعتراف نامه؛ روزنامه خاطرات ابگر (علی اکبر) همراه با رساله شناخت. پژوهش، تصحیح و توضیحات منصور صفت گل. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد جمهوری اسلامی ایران.
- احمدی، نزهت. (۱۳۸۸). رؤیا و سیاست در عصر صفوی. تهران: نشر تاریخ ایران.
- ترکمان، اسکندربیک. (۱۳۱۴). عالم آرای عباسی. تهران: دارالطباعة آقا سید مرتضی.
- ترکمان، اسکندربیک. (۱۳۷۷). عالم آرای عباسی. به کوشش یدالله شکری. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۸۰). سفرنامه. ترجمه محمد بهفروزی، تهران: قطره
- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۳). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: امیرکبیر.
- رستم الحکما، محمد هاشم. (۱۳۸۲). رستم التواریخ. مصحح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۷۷). زمینه فرهنگ شناسی. تهران: عطار.
- روملو، حسن بک. (۱۳۸۴). احسن التواریخ. به تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- سفرنامه ونیزیان. (۱۳۸۱). ترجمه منوچهر امیری. تهران: خوارزمی.
- شاه طهماسب صفوی. (۱۳۶۳). تذکره شاه طهماسب. به کوشش و اهتمام عبدالشکور برلن: چاپخانه کاویان.
- شوشتری، قاضی نورالله. (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین. تهران: اسلامیة.
- شیخ بهایی. آداب عباسی. نسخه خطی. شماره ۱۱۸۳۵-۵. تهران: کتابخانه ملی.
- عالم آرای شاه اسماعیل. (۱۳۸۴). با مقدمه، تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

- کروسینسکی. [بی تا]. سفرنامه. به تصحیح عبدالرزاق بن نجفقلی. تهران: توس.
- کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۸۸). رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: مرکز.
- مستوفی، محمدحسن. (۱۳۷۵). زبده التواریخ. به کوشش بهروز گودرزی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- مشیزی (بردسیری)، میرمحمد. (۱۳۶۹). تذکره صفویه کرمان. مقدمه و تصحیح باستانی پاریزی. تهران: نشر علم.
- منجم یزدی، ملا جلال الدین محمد. (۱۳۶۶). تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: انتشارات وحید.
- منشی قمی، احمد بن حسین. (۱۳۸۳). خلاصه، التواریخ. تصحیح دکتر احسان اشراقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرخواند، امیر محمود. (۱۳۸۰). روضه الصفا. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- واله اصفهانی، محمدیوسف. (۱۳۷۲). خلدبرین. کوشش میرهاشم محدث. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- کویین، شعله. (۱۳۷۹). «رؤیاهای شیخ صفی‌الدین و تاریخ نوشته‌های صفوی». مترجم منصور چهارزی. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۳۷ و ۳۸.